

۱۰ قطعه ۱۰ آنالیز

تجزیه و تحلیل قطعاتی از آهنگ سازان ملی ایران

حمید مرادیان

www.ketab.ir



سرنخسه : مرادیان، حمید، ۱۳۵۸
 عنوان و نام پدیدآور : ۱۰ قطعه ۱۰ آنالیز: تجزیه و تحلیل قطعاتی از آهنگسازان ملی ایران؛ حمید مرادیان
 مشخصات نشر : تهران: هم آواز، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص.؛ مصور، جدول
 شابک : ۹۷۸ ۶۰۰ ۷۴۵۴ ۰۶۰۰
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
 عنوان گسترده : ده قطعه ده آنالیز: تجزیه و تحلیل قطعاتی از آهنگ سازان ملی ایران
 موضوع : موسیقی ایرانی -- تاریخ و نقد
 موضوع : آهنگسازان ایرانی
 رده‌بندی کنگره : ML۳۷۵۶/۵۴۰۹۱۳۹۳
 رده‌بندی دسویی : ۷۸۱۰۰۹
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۴۲۶۶۴



۱۰ قطعه ۱۰ آنالیز
 تجزیه و تحلیل قطعاتی از آهنگسازان ملی ایران
 حمید مرادیان

آماده‌سازی و امور فنی بیش از چاب: دفتر طرح فروش • طرح جلد: حمید کاشانی
 چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳ • شمارگان: ۵۵۰ • قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان
 لیتوگرافی: افست گرافیک • چاپ: علوی • صحافی: سیمین ساز
 شابک: ۹۷۸ ۶۰۰-۷۴۵۴-۰۶۰۰ ISBN: 978-600-7454-06-0

نشر هم آواز: تهران، خیابان انقلاب، بین بهار و پیچ شمیران، پلاک ۴۰۰
 طبقه سوم، شماره ۱۱، کدپستی: ۱۱۴۸۸۷۲۸۴۱
 تلفن: ۷۷۵۳۲۹۷۳ • دورنگار: ۷۷۵۱۸۷۱۵
www.hamaavaz.com info@hamaavaz.com

تمامی حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است. تکثیر - تالیف - مجدد - هر شکلی بدون اجازه ناشر ممنوع است.

۷	مقدمه
۱۳	تجزیه و تحلیل قطعه‌ی «همایون»، اثر موسیو لومر
۳۱	تجزیه و تحلیل قطعه‌ی «پیش‌درآمد همایون»، اثر علی‌نقی وزیری
۴۵	تجزیه و تحلیل قطعه‌ی «کنسرتینو برای سنتور و ارکستر»، اثر حسین دهلوی
۵۹	تجزیه و تحلیل قطعه‌ی «در بزرگداشت فردوسی»، اثر مرتضی حنانه
۷۳	تجزیه و تحلیل موسیقی «سربداران»، اثر فرهاد فخرالدینی
۹۳	تجزیه و تحلیل قطعه‌ی «شهیدان خدایی»، اثر هوشنگ کامکار
۱۰۵	تجزیه و تحلیل قطعه‌ی «نی‌نوا»، اثر حسین علیزاده
۱۳۳	تجزیه و تحلیل قطعه‌ی «موسم گل»، اثر محمدرضا درویشی
۱۴۹	تجزیه و تحلیل قطعه‌ی «نهانخانه‌ی دل»، اثر کامبیز روشن‌روان
۱۶۱	تجزیه و تحلیل قطعه‌ی «بوی باران»، اثر حسین یوسف‌زمانی
۱۷۳	کتابنامه

پیش‌گفتار

در موسیقی ایرانی، آهنگ‌سازی با رویکرد چندصدایی علمی نوپا بوده و از آغاز تا کنون، همواره بر مبنای تجربیات شخصی آهنگ‌سازان پیش رفته است.

امروزه بعد از گذشت بیش از صد سال از اولین تجربه‌های چندصدایی در موسیقی ایران، می‌توان انتظار داشت که با بررسی آثار آهنگ‌سازان این دوره، به قواعد مشترکی که آنها برای چندصدایی کردن و ارکسترال ساختن موسیقی ایران، هریک به‌شکلی از آنها بهره برده‌اند، دست یافت. آثار آهنگ‌سازی که در این دوره‌ی صدساله سعی کرده‌اند به بیانی چندصدایی در موسیقی ایران دست یابند، در دو گروه کلی قابل بررسی است:

- گروه اول شامل آهنگ‌سازی است که فعالیت‌شان به‌طور کامل و تخصصی در حوزه‌ی موسیقی ایرانی جای می‌گیرد و قطعات خود را در چارچوب ارکسترهای سنتی متشکل از سازهای ایرانی تصنیف و اجرا کرده‌اند. در این قطعات، شاهد شکل‌گیری نوعی چندصدایی ابتدایی و بسیار ساده هستیم، که اغلب بیش از آن که برای تقویت نت‌ها متکی بر روابط عمودی صداها (هارمونی) باشند، مبتنی بر روابط افقی خطوط (کنترپوان) برای همراهی با ملودی اصلی هستند.

آثار تولید شده در ارکستر سازهای ملی وزارت فرهنگ و هنر (تشکیل شده در سال ۱۳۴۵) به سرپرستی و آهنگ‌سازی فرامرز پایور یا برخی کارهای گروه عارف (تشکیل شده در سال ۱۳۵۵) با آهنگ‌سازی پرویز مشکاتیان و حسین علیزاده، نمونه‌های بسیار موفقی برای این سبک به‌شمار می‌روند.

- رویکرد دوم آثاری را در بر می‌گیرد که آهنگ‌سازان آنها سعی کرده‌اند از علوم پایه‌ی آهنگ‌سازی، که تکنیک‌های چندصدایی را شامل می‌شوند، به‌شکلی جدی استفاده کنند و در قالب ارکسترهایی با استاندارد بین‌المللی آثار خود را ارائه دهند. این گروه آهنگ‌سازان را می‌توان به دو طیف یا گروه تقسیم کرد:

طیف اول، اغلب آموزش خود را با موسیقی کلاسیک غربی آغاز کرده‌اند و سپس سعی نموده‌اند به خلق آثاری با رنگ و بوی ایرانی بپردازند. می‌توان گفت اساس فعالیت این دسته از آهنگ‌سازان بیشتر متمایل به موسیقی غربی است. این تمایل اگرچه به‌صورت کلی و ظاهری، حداقل به‌صورت زیرساختی نمود پیدا کرده و در استفاده از تکنیک‌ها و ابزارهای آهنگ‌سازی مانند هارمونی، فرم، بسط و گسترش و سازبندی خود را نشان می‌دهد. آهنگ‌سازی چون پرویز محمود، هرمز فرحت، حسین ناصحی، ثمین

باغچه‌بان، شاهین فرهت، لوریس چکناواریان، احمد پژمان، بهزاد رنجبران و رضا والی را می‌توان در این طیف قرار داد.

طیف دوم یا آموزش را با موسیقی ایرانی آغاز کرده و پس از شناخت و تسلط بر ویژگی‌های آن، به فراگیری علوم بین‌المللی آهنگ‌سازی پرداخته یا اگر از ابتدا خاستگاه آموزشی موسیقی ایرانی نداشته، در اثر همنشینی، برخورد و همکاری مداوم با موسیقی‌دان‌های سنتی و تحقیق و تفحص گسترده در زمینه‌ی موسیقی ایرانی، توانسته است به شناختی عمیق از زیبایی‌شناسی این موسیقی برسد. آهنگ‌سازان این طیف نگرشی ایرانی‌تر دارند و سعی کرده‌اند تکنیک‌های موسیقی غرب را به‌صورت گزینشی برای موسیقی ایرانی به‌کار برند و به بیان و زبانی شخصی، متناسب با زیبایی‌شناسی موسیقی ایران، دست یابند. آهنگ‌سازانی چون علینقی وزیری، روح‌الله خالقی، حسین دهلوی، مرتضی حنانه، حشمت سنجری، فرهاد فخرالدینی، محمدرضا درویشی، حسین علیزاده، هوشنگ کامکار و کامبیز روشن‌روان نمایندگان خوبی برای این گروه هستند.

به هر روی، موسیقی ایران در مقام موسیقی مدال، ظرافت‌ها و پیچیدگی‌هایی دارد که احاطه بر زیبایی‌شناسی آن کار ساده‌ای نیست. این توانمندی نیاز به نوعی نشانه‌شناسی دارد که هنرجو می‌تواند پس از سال‌ها ممارست در قالب آموزش صحیح به آن دست یابد. اما پرداخت تئوریک به این نشانه‌شناسی و رسیدن به ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه‌ی پس از آن، نیاز به تحقیق و پژوهشی گسترده دارد تا از رهگذر آن بتوان بستری هموارتر برای آموزش فراهم نمود.

تا آنجا که به حوزه‌ی آهنگ‌سازی مربوط می‌شود، بررسی و مطالعه‌ی آثار آهنگ‌سازان نسل‌های پیشین نیازی جدی برای مکتوب کردن تجربیات گذشته و رسیدن به تجربه‌های جدید است. اگر فرض کنیم یک آهنگ‌ساز ایرانی به‌طور کامل با رپرتوار موسیقی ایرانی - دستگاهی یا مقامی - آشنا باشد و همچنین علوم آهنگ‌سازی را تحصیل کرده باشد، چنانچه بخواهد هویت ایرانی را در آثار خود حفظ کند، تازه چالش اصلی او به‌عنوان یک آهنگ‌ساز آغاز خواهد شد؛ این که موسیقی ایرانی را به چه شکل وارد فرآیند چندصدایی کند؟ با سازهای ایرانی چه برخوردی داشته باشد؟ اصولاً آنها را در قالب ارکستر سمفونیک در تعامل با باقی سازها در نظر بگیرد یا نه؟ تکلیف فواصل خاص ایرانی در روند چندصدایی و ارکستراسیون چیست؟ ملودی‌پردازی و گسترش فرمال قطعه چگونه صورت می‌گیرد؟ به مقوله‌ی ریتم، که در موسیقی ایرانی عنصری بسیار سیال است، چگونه پرداخته شود؟ و... سوالاتی از این دست، به‌تمامی برخاسته از نکات ظریفی هستند که به‌نوعی هویت موسیقی ایرانی و زیبایی‌شناسی آن را رقم می‌زنند.

درواقع بی‌توجهی یا عدم پرداخت صحیح به این گونه موارد، اثر موسیقی را از هویت ایرانی و ملی‌اش دور می‌کند و طبیعتاً ارتباط شنونده‌های آشنا به موسیقی ایرانی را با این نوع موسیقی دچار چالش

می‌کند؛ چالش‌هایی مانند این که حفظ ویژگی‌های موسیقی ایرانی در تعامل با علوم آهنگ‌سازی، تا کجا لازم است؟ نوآوری و خلاقیت در چه چارچوبی تعریف می‌شود و از کجا هویت ایرانی موسیقی دچار دگرگونی خواهد شد؟ آیا باید از تکنیک‌ها و علوم آهنگ‌سازی فقط برای رنگ‌آمیزی و تزئین یک چارچوب از پیش ساخته‌شده استفاده کرد یا می‌توان با حفظ ویژگی‌های بنیادین، به بیانی جدید رسید؟ و آیا باید به شکلی گزینشی از تکنیک‌های چندصدایی موسیقی غرب استفاده کرد یا به بیان چندصدایی خاصی متناسب با این موسیقی رسید؟

مسئله اینجاست که وقتی قرار باشد عنصری از بیرون به ماهیت وجودی عنصری دیگر وارد شود، شاهد یک دگردیسی خواهیم بود که در نوع موفق‌اش به تولید عنصری جدید و کارآمد می‌انجامد و در شکل ناموفق، به موجودیتی عقیم ختم خواهد شد. سترون بودن بسیاری آثار و روش‌ها در گذر زمان مشخص شده و ماندگاری اندک آثاری که توانسته‌اند به تعاملی سازنده و خلق بیانی نوین دست یابند نیز تثبیت شده است، اما راز این سترون یا ماندگار ماندن هنوز در دل آنها نهفته مانده است.

تجزیه و تحلیل آثار آهنگ‌سازان ایرانی، به منظور بررسی لایه‌های درونی و زیرساختی این آثار، دغدغه‌ی همیشگی نگارنده بوده، چرا که معتقد است شکل‌گیری مکتب آهنگ‌سازی ملی ایران، و اصولاً آهنگ‌سازی ایرانی، بدون شناخت و تحلیل آثار ارائه‌شده توسط نسل‌های پیشین آهنگ‌سازان امری ناممکن و مبتنی بر آزمون و خطاهای مکرر و حتی تجربه‌شده خواهد بود. باید قبول کرد که تا فرهنگ و نگاه تحلیلی در بین دانشجویان آهنگ‌سازی و محققان موسیقی ایرانی رایج و فراگیر نشود، هر تجربه‌ی موفق و جدیدی نیز با گذشت زمان به بوته‌ی فراموشی سپرده خواهد شد.

در مجموعه‌ی پیش رو، از بین قطعاتی که در دوره‌های مختلف توسط نگارنده تجزیه و تحلیل شده‌اند، بررسی ده اثر انتخاب و برای نشر آماده شده است. این قطعات از بین آثار آهنگ‌سازی انتخاب شده‌اند که طبق تقسیم‌بندی فوق، همگی متعلق به طیف دوم از گروه دوم آهنگ‌سازان هستند. همچنین، این ده اثر از بین آثاری انتخاب شده‌اند که بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۸ شمسی به تصنیف درآمده‌اند و روایت‌گر یک دوره‌ی صد ساله از فعالیت برخی از تأثیرگذارترین آهنگ‌سازان ایرانی هستند.

ملاک انتخاب این آثار، به‌طور خلاصه در قالب موارد زیر قابل ذکر است:

۱. هماهنگی این قطعات با قواعد زیبایی‌شناسی موسیقی ایران، در چارچوب‌های بنیادین خود اعم از زیرساخت و روساخت.
۲. تلاش آهنگ‌ساز برای حفظ شاخصه‌های اصلی موسیقی ایران مانند زیبایی‌شناسی ملودیک، ریتمیک و روند بسط و گسترش فرمال قطعه در مسیر تعامل آن با علوم بین‌المللی آهنگ‌سازی (هارمونی، کنترپوان، ارکستراسیون و...)

۳. سازگاری قطعه با ذائقه‌ی شنونده‌ی ایرانی و پذیرفته‌شدن آن توسط گوش ناآشنا به موسیقی غرب.^۱

۴. در دسترس بودن (منتشر شدن) پارتیتور اثر.^۲

لازم به توضیح است در بین قطعات انتخاب‌شده، تنها قطعات کلنل وزیری و مرتضی حنانه به‌نسبت دیگر آثار آنها شهرت کمتری دارند. اما از آنجا که نت این قطعات منتشر شده و همچنین، به‌دلیل ویژگی‌های موسیقایی‌ای که دارند، برای این مجموعه در نظر گرفته شده‌اند.^۳

در این تجزیه و تحلیل‌ها، سعی بر آن است که عناصر هویت‌بخش و اصل آثار انتخاب‌شده در ارتباط با موسیقی ایرانی و به‌طور خاص، موسیقی ردیف دستگامی دیده شود و شیوه‌ی کار هر آهنگ‌ساز برای رسیدن به بیانی چندصدایی و ارکسترال مورد بررسی قرار گیرد.

بی‌تردید نگاه شخصی نگارنده که حاصل دانش، تجربیات و شیوه‌ی آموزش وی است، در امر آنالیز تأثیرگذار بوده؛ بنابراین، همین تفاوت دیدگاه وی با خوانندگان این اثر می‌تواند به شکل‌گیری نظریات متفاوت در تجزیه و تحلیل آثار منتخب کتاب حاضر بیانجامد. از این رو، امیدوارم اساتید و محققان گرامی با راهنمایی‌های دلسوزانه و ارزشمند خود به کامل‌تر شدن این مجموعه در آینده کمک کنند.

در انتها، لازم میدانم از کمک‌ها و رهنمودهای ارزشمند اساتید ارجمند فرهاد فخرالدینی، محمد رضا درویشی، حسین علیزاده و هوشنگ کامکار، که با مطالعه و تأیید تجزیه و تحلیل آثارشان مرا مورد لطف قرار دادند، تشکر و قدردانی کنم. امیدوارم با انتشار این مجموعه، بتوانم گوشه‌ی کوچکی از دین بزرگ خود را نسبت به این بزرگواران و دیگر آهنگ‌سازان ملی این مرز و بوم، که با تلاشی بی‌شائبه، هریک فصلی به مکتب آهنگ‌سازی ملی ایران افزوده‌اند، ادا نمایم.

همچنین، مراتب قدردانی خود را از عزیزان محمدرضا تفضلی، امیر اسلامی، مجید کاشانی و مدیریت محترم نشر هم‌آواز، آقای مجید سینکی، که با کمک‌های بی‌دریغ خود، در انتشار این مجموعه مرا یاری رسانده‌اند، ابراز می‌دارم.

حمید مرادیان

بهار ۱۳۹۳

۱. مقصود، موسیقی چندصدایی و مبتنی بر قواعد بین‌المللی آهنگ‌سازی است که عموماً تحت عنوان «موسیقی کلاسیک غرب» بررسی می‌شود.

۲. در بین قطعات انتخاب‌شده، تنها پارتیتور قطعه‌ی «موسم گل» اثر محمدرضا درویشی، هنوز منتشر نشده و در مرحله‌ی آماده‌سازی برای نشر است. این تجزیه و تحلیل از روی نسخه‌ی دست‌نویس پارتیتور انجام شده؛ نسخه‌ای که به همین منظور، در تابستان ۱۳۹۱ از سوی آهنگ‌ساز در اختیار اینجانب قرار گرفت.

۳. می‌بایست خاطر‌نشان کرد که در بین آثار مرتضی حنانه، قطعاتی مانند «تنظیم پیش درآمد اصفهان» (تیتراژ سریال «هزار داستان»، «الای تی» یا قطعاتی که بر روی تپ‌های بختیاری و کردی تصنیف شده‌اند، با شاخص‌های مورد نظر ما برای انتخاب قطعات این کتاب هماهنگی بیشتری دارند اما متأسفانه، به‌دلیل در دسترس عموم نبودن پارتیتور این آثار، به تنها قطعه‌ی منتشر شده از وی بسنده کرده‌ایم.